



گزارش «تعادل» از معمای سوخت‌های میان تقطیر نفتکش‌های خالی و بازارهای تشنه

بایدها و نبایدهای اقتصاد ایران در تحلیل جدید فرشاد مومنی

از مهار تورم تا بازسازی تولید و اشتغال

اقتصاد ایران سال‌هاست با تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، نااطمینانی سرمایه‌گذاری و ضعف در ایجاد اشتغال مولد دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ دولت چهاردهم در شرایطی با این میراث روبرو شده که جنگ و فشارهای خارجی، اولویتهای فوری و امکان پیگیری اصلاحات بلندمدت را تحت تأثیر قرار داده است. فرشاد مومنی، اقتصاددان، در بررسی ریشه‌های این وضعیت هشدار می‌دهد که بدون مقابله با فساد ساختاری، بازنگری در سیاست‌های ارزی و قیمتی و تغییر جهت سرمایه‌ها به

سمت تولید، نمی‌توان انتظار داشت اقتصاد ایران از چرخه تکرار شونده بحران خارج شود. مشکلات اقتصادی ایران نه با تشکیل یک دولت آغاز شده‌اند و نه با تغییر دولت‌ها از میان رفته‌اند؛ طی دهه‌های گذشته، دولت‌های مختلف با شعار اصلاح ساختار اقتصادی، کنترل تورم، افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و بهبود معیشت وارد میدان شده‌اند، برنامه‌های توسعه، سیاست‌های ارزی، طرح‌های اصلاح نظام بانکی و مجموعه‌ای از سیاست‌های حمایتی و تولیدی نیز در دوره‌های مختلف به اجرا آمده‌اند؛ اما

تداوم بسیاری از مشکلات نشان می‌دهد که میان اهداف اعلام‌شده و نتایج حاصل از سیاست‌گذاری اقتصادی فاصله‌ای جدی وجود دارد. تورم مزمن، افزایش نرخ ارز، کاهش قدرت خرید خانوارها، پایین ماندن دستمزدها در مقایسه با هزینه‌های زندگی، دشواری تأمین مالی تولید و محدود بودن فرصت‌های شغلی مولد، مجموعه‌ای از مسائل به‌هم پیوسته‌اند. افزایش قیمت‌ها هزینه فعالیت بازرگانان را بالا می‌برد؛ نااطمینانی اقتصادی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری بلندمدت را دشوار می‌کند؛ و ضعف تجارت و مبادلات مالی...

سرمایه‌گذاری نیز ظرفیت تولید و اشتغال را محدود می‌سازد. در چنین شرایطی، اقتصاد نه تنها در مهار مشکلات موجود با دشواری مواجه می‌شود، بلکه بخشی از توان خود را برای ایجاد فرصت‌های تازه نیز از دست می‌دهد. دولت چهاردهم این مجموعه مشکلات را به ارث برده است. بخشی از این مسائل ریشه در تصمیم‌های چند دهه گذشته دارد و بخشی دیگر تحت تأثیر شرایط جدید، از جمله جنگ، محدودیت‌های خارجی و نااطمینانی در تجارت و مبادلات مالی...

صفحه ۲ | رابخوانید

یادداشت - ۱

اقتصاد مسکن راهکار عبور از رکود است



بیت‌الله ستاریان

«اقتصاد مسکن» برای ایجاد یک رونق نسبی در اقتصاد ملی بهره گرفت؟ به بیان روشن‌تر، در دوران معاصر که کشور با چالش‌های ساختاری، محدودیت‌های بین‌المللی و فشارهای تحریمی روبرو است، نقش بازار مسکن و اقتصاد صنعت ساختمان در نقشه راه خروج از رکود چگونه تعریف می‌شود؟ واقعیت آن است که اقتصاد ایران در شرایطی استثنایی قرار دارد.

کشور در وضعیت «محاصره اقتصادی» است؛ تحریم‌ها با شدتی بی‌سابقه برقرارند و فضای اقتصادی حاکم، متأثر از این فشارهاست. در چنین اتمسفر بسته‌ای، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا می‌توان از مسیر اقتصاد مسکن، راهی به سوی رونق گشود؟ پاسخ به این پرسش در کالبد صنعت ساختمان نهفته است؛ صنعتی که بیش از آنکه به متغیرهای بیرونی وابسته باشد، به ظرفیت‌های درونی متکی است. نکته کلیدی که غالباً در تحلیل‌های کلان نادیده گرفته می‌شود، میزان «بومی بودن» صنعت ساختمان در ایران است. بررسی‌های فنی نشان می‌دهد که تنها حدود ۲۰ درصد از نهاده‌ها و مصالح این صنعت، وابسته به دلار و واردات از خارج از کشور است. در مقابل، ۸۰ درصد باقیمانده کاملاً بومی و متکی به توانمندی‌های داخلی است. این وضعیت، منحصر به ایران نیست؛ در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز صنعت ساختمان صنعتی «بوم‌زاد» است. سهم ناچیز واردات در این صنعت، عمدتاً محدود به قطعاتی است که مخل روند تولید نیست.

به این معنا که اکثر پروژه‌های ساختمانی، چه مسکونی و چه تجاری، بدون نیاز به آن اقلام وارداتی قابل تکمیل هستند. تنها بخش‌های محدودی از ساختمان‌های خاص به این تجهیزات نیاز دارند که حتی آنها نیز در صورت استمرار تحریم، به سرعت «لوکالیزه» شده و در داخل کشور تولید می‌شوند. با این تفسیر، بحث تحریم و محاصره اقتصادی، برخلاف تصور رایج، تأثیر مهلکی بر صنعت ساختمان ندارد.

هر چند ممکن است تأمین برخی قطعات خاص تاسیسات یا نماهای مدرن وارداتی به دلیل نوسانات ارزی و دشواری‌های تجاری سخت‌تر شده باشد، اما این به معنای قفل شدن چرخ تولید مسکن نیست. تحریم و محاصره در صنعت ساختمان، آن نقشی را که در سایر بخش‌های اقتصاد (مانند صنعت خودرو یا صنایع های تک) ایفا می‌کند، نخواهد داشت.

این صنعت به دلیل پیوندهای پیشین و پسین گسترده در داخل، دارای یک مصونیت ذاتی در برابر تکانه‌های خارجی است. اما نکته راهبردی و اصلی که باید بدان توجه کرد، پدیده «شوگ ساختمان» است.

این یک ابزار اقتصادی قدرتمند است؛ به این معنا که دولت می‌تواند با تحریک هدمکنند صنعت ساختمان، یک شوگ مثبت به کل پیکره اقتصاد وارد کند.

این شوگ، سرعت گردش پول را در کل کشور به شدت افزایش می‌دهد. تجربه سال‌های گذشته به وضوح نشان داده که هرگاه بودجه‌های عمرانی افزایش یافته و ساخت‌وساز رونق گرفته، کل اقتصاد نیز از رکود خارج شده است. علت این امر ساده است:

سرعت چرخش پول در صنعت ساختمان از تمام بخش‌های دیگر اقتصاد بیشتر است. به بیان ساده‌تر، نسبت «داد و ستد» در این بخش یک به یک است.

یعنی وقتی پول در صنعت مسکن تریق می‌شود، به سرعت در ده‌ها صنف دیگر (از تولید سیمان و فولاد گرفته تا حمل‌ونقل، خدمات مهندسی و دکوراسیون) پخش شده و عملاً پدانه اقتصاد را به حرکت درمی‌آورد. این همان چیزی است که ما از آن به عنوان «شوگ ساختمان» یاد می‌کنیم.

در وضعیتی که دسترسی به منابع ارزی محدود است، این صنعت بهترین موتور محرک برای به حرکت درآوردن اقتصاد داخلی است. در نهایت اگر بخواهیم از فرصت‌های موجود در فضای تحریم فهرستی تهیه کنیم، اقتصاد مسکن بی‌تردید در صدر آن قرار دارد.

بخشی که هم بنیه داخلی، هم پتانسیل اشتغال‌زایی انبوه دارد و هم به عنوان لکوموتیو گردش پول در اقتصاد عمل می‌کند. آنچه امروز برای عبور از بن‌بست و رکود به آن نیازمندیم، نه تسخه‌های پیچیده بیرونی، بلکه بازگشت به همین ظرفیت‌های بومی و فعال‌سازی این موتور محرک است.

مسکن، نه تنها یک نیاز ضروری برای مردم، بلکه راهبردی‌ترین ابزار برای تساب‌آوری اقتصادی در دوران محاصره است.

زیرساخت‌های ناایمن سهم پنهان در افزایش تصادفات جریمه یا پیشگیری؛ کدام یک هزینه تصادفات را کاهش می‌دهد؟

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

بورس روی لبه تیغ

اولین هفته آبان‌ماه به پایان رسید و برخلاف پیش‌بینی‌هایی که در انتهای مهر ماه انجام شده بود بورس تهران نتوانست در این هفته شرایط قابل توجهی را تجربه کند. علت این موضوع نیز کاملاً روشن است؛ ابهام در شرایط و افزایش ریسک‌ها این دو عامل دسته‌بند مهم داده تا بازار سهام هر روز بیش از روز گذشته سرخ‌وش شود و نقدینگی مسیر اصلاحی را در پیش بگیرد. بازار سهام در هفته اخیر روند نوسانی را پشت سر گذاشت...

صفحه ۴ | رابخوانید

۵ همت برای واردات یک کشتی ذرت! رسوب کالا در گره ارزی

تعادل - فرشته فریدرس | افزایش نرخ ارز واردات نهاده‌های دامی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به حدود ۲۰۵ هزار تومان برای هر یورو، در کنار نیاز سالانه کشور به تأمین ۱۹ میلیون تن نهاده به ارزش تقریبی ۶۵ میلیارد دلار، هزینه واردات و فشار نقدینگی بر زنجیره تأمین خوراک دام و طیور را به شدت افزایش داده است. به‌طوری که تأمین نقدینگی برای واردات یک کشتی ذرت اکنون به ۵۶ تا ۵۴ همت رسیده و ماندگاری متوسط ۳۴ روزه کالا در بندر نیز بر دشواری‌های این زنجیره افزوده است. در چنین شرایطی، فعالان بخش خصوصی و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی در نشست تخصصی، ضمن بررسی چالش‌های واردات و ترخیص نهاده‌ها، بر تسریع خروج محموله‌ها از بندر، تعیین تکلیف مطالبات ارزی وارد کنندگان و تقویت ابزارهای تأمین مالی تأکید کردند. به گزارش تعادل، تأمین نهاده‌های دامی یکی از حلقه‌های اصلی امنیت غذایی کشور است؛ زنجیره‌ای که اختلال در هر بخشی آن، از واردات و تخصیص ارز گرفته تا ترخیص، حمل‌ونقل و تأمین مالی...

صفحه ۷ | رابخوانید

یادداشت - ۳

مک‌های مقطعی در مسیر بلندمدت اقتصاد

در سال‌های اخیر، اقتصاد کشور با مجموعه‌ای از ریسک‌های سیستماتیک و غیرسیستماتیک مواجه بوده است؛ ریسک‌هایی که در کنار یکدیگر، بر رفتار سرمایه‌گذاران، روند حرکت بازارهای مالی و مسیر کلی اقتصاد تأثیر



علی فراقی

گذاشته‌اند. با این حال، آنچه بیش از سایر عوامل به چشم می‌آید، روند صعودی و مستمر ریسک‌های سیستماتیک است؛ روندی که به تدریج بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده و در مقاطع مختلف، فضای تصمیم‌گیری اقتصادی را با ابهام و عدم قطعیت همراه کرده است. در این میان، ریسک‌های سیستماتیک، به دلیل ماهیت فراگیر خود، جایگاه ویژه‌ای دارند. برخلاف ریسک‌های غیرسیستماتیک که معمولاً به یک شرکت، صنعت یا بخش مشخص محدود می‌شوند، ریسک‌های سیستماتیک می‌توانند به‌طور هم‌زمان بر تمام بخش‌های اقتصاد تأثیر بگذارند. عواملی همچون تنش‌های سیاسی و منطقه‌ای، تحولات سیاست خارجی، تغییرات سیاست‌گذاری اقتصادی، نوسانات نرخ ارز و تشدید انتظارات تورمی از جمله ریسک‌هایی هستند که می‌توانند سطح این ریسک‌ها را افزایش دهند. بررسی روند چندسال اخیر نشان می‌دهد که در هر چه در مقاطع مختلف شاهد کاهش موقت تنش‌ها و فروکش کردن بخشی از نگرانی‌های اقتصادی بودیم، اما این اصلاح‌ها عمدتاً ناتوانسته‌اند مسیر کلی افزایش نااطمینانی را به‌طور پایدار تغییر دهند. به بیان دیگر، در بسیاری از دوره‌ها، کاهش ریسک بیشتر به شکل یک وقفه در روند صعودی آن ظاهر شده است تا تغییری اساسی در جهت حرکت متغیرهای اثرگذار بر اقتصاد.

در ماه‌های اخیر، با افزایش سطح تنش‌ها و شکل‌گیری شرایط جدید در برخی متغیرهای اقتصادی و بازارها، شرایط پیچیده‌تری برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ایجاد شده است. همان‌طور که تحولات سیاسی و منطقه‌ای با نزدیکی شدن به مقاطع انتخاباتی در کشورهای اثرگذار بر این تحولات نیز بر ابهامات موجود افزوده است. در چنین شرایطی، فعالان اقتصادی معمولاً برای ارزیابی سناریوهای پیش‌رو و تعیین مسیر سرمایه‌گذاری خود، منتظر روشن‌تر شدن چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی می‌مانند. نتیجه این وضعیت می‌تواند کاهش قطعیت در تصمیم‌گیری، افت مقطعی حجم معاملات، افزایش احتیاط سرمایه‌گذاران و شکل‌گیری دوره‌هایی از رکود یا نوسان محدود در بازار باشد. بازار سرمایه نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به گونه‌ای که شاخص کل بورس ممکن است در مقطعی، با وجود وجود برخی محرک‌های بنیادی، با تردید در ادامه مسیر حرکتی خود مواجه شود. با این حال، باید توجه داشت که توقف یا اصلاح قیمت‌ها لزوماً به معنای تغییر روند بلندمدت نیست. در بسیاری از موارد، بازارها پیش از مشخص شدن مسیر بعدی خود، به زمان نیاز دارند تا آثار متغیرهای جدید را در قیمت‌ها منعکس کنند و میان انتظارات متفاوت سرمایه‌گذاران به تعادل نسبی برسند. در کنار ریسک‌های سیاسی و اقتصادی، نمی‌توان نقش تورم مزمن در شکل‌گیری روند بلندمدت بازار را نادیده غافل شد. تداوم تورم و کاهش قدرت خرید پول ملی، به‌ویژه در شرایطی که بازدهی دارایی‌های نقدی از رشد سطح عمومی قیمت‌ها عقب می‌ماند...

ویژگی‌های تاریخی و ساختاری آن بررسی کرد. از سوی دیگر، روسیه از منابع معدنی و طبیعی فراوانی برخوردار است و در همسایگی خود کشورهایمانند بیلاروس دارد که با آن روابط همسایگی و تجاری در زمینه همکاری، تجارت و تعامل اقتصادی برقرار کرده‌اند. این شرایط به روسیه امکان می‌دهد از ظرفیت‌های جغرافیایی، منابع طبیعی و ارتباطات منطقه‌ای خود استفاده کند.

کار نیز در تکرار چانه‌زنی‌های سنتی شب‌های اسفند شورای عالی کار نیست. شرایط پیش‌رو جنس دیگری از سیاست‌گذاری را می‌طلبد. عبور از این وضعیت نیازمند «تصمیم‌های سخت» در حوزه‌های کلان و تنفس دادن واقعی به بخش مولد کشور است. اگر به دلیل فشارهای تورمی، ظرفیت تحمیل دستمزدهای بالا به کارفرمایان وجود ندارد، حاکمیت باید این بار را از دوش بنگاه‌ها بردارد و از مصاری دیگر برای تولید کنندگان گشایش ایجاد کند.

امروز بخش خصوصی واقعی زیر فشار چهارگانه تأمین مواد اولیه، بحران تخصیص ارز، موانع سنگین صادراتی و منفی شدن نرخ رشد تسهیلات حقیقی بانکی به مرز خفگی رسیده است.

دولت اگر توان کاهش تورم در کوتاه‌مدت را ندارد، باید دست کم موانع برو کراتیک صادرات، واردات نهاده‌ها و گلوگاه‌های ارزی را برطرف کند تا بنگاه‌ها با رونق تریاژ و بهره‌وری، توان تاب‌آوری در برابر هزینه‌های پرسرانی را بیابند. باید بپذیریم که دستمزدهای معلول بیماری تورم است، نه علت بنیادین آن. وقت آن رسیده که سیاستگذار فراتر از جلسات نمایشی پایان سال و صدور بخشنامه‌های دستوری، با تصمیم‌گیری‌های جسورانه در روابط بین‌المللی و گره گشایی از اقتصاد، زمینه نجات تولید و در نتیجه حفظ پایدار سفره کارگران را فراهم کند. چرا که معتقدم فردا برای این تصمیم‌ها دیر خواهد بود.

دستمزدها را نادیده می‌گیرد. البته صحبت من این نیست که نباید دستمزدها را به نسبت تورم افزایش داد، بلکه موضوع این است که در کنار این افزایش باید برای رونق تولید و حمایت از تولیدکننده نیز برنامه‌های جامع تدارک دید. این تعارض ساختاری اسمال در دناک‌تر و آشکارتر است، زیرا در خوش‌بینانه‌ترین سناریو نیز نمی‌توان افق تورمی پایینی برای اقتصاد متصور بود. آمارهای رسمی و گزارش‌های آرایه‌شده از نرخ رشد نقدینگی نقطه به نقطه در ۷ ماهه نخست سال، چشم‌انداز تورمی سنگینی را ترسیم می‌کنند. در شرایطی که موتور خلق نقدینگی با قدرت کار می‌کند و رشد بخش حقیقی ضعیف است، مناسب‌سازی دستمزدها بر مبنای نرخ توجه به سایر ارکان (تنها سربازی از پهبود معیشت می‌سازد. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که دولت خود بزرگ‌ترین کارفرماست. از حدود ۲۴۶ میلیون

شاغل کشور، بیش از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر مستقیماً در بخش‌های دولتی، پیمانکاری و نهادهای عمومی اشتغال دارند. پرسش اساسی این است: دولت کسری بودجه مزمن خود را برای تأمین منابع افزایش حقوق این بدنه بزرگ، از کجا پوشش خواهد داد؟ آیا نتیجه‌ای جز دست‌اندازی به منابع بانک مرکزی و چاپ پول جدید خواهد داشت؟ مسیری که بی‌تردید شعله‌های تورم را فروزان‌تر می‌کند.

تحلیلگران به استناد محاسبات جزیره‌ای ادعا می‌کنند سهم دستمزدها در کل هزینه تولید تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد است و جهش آن اثر تورمی چشمگیری ندارد. این تحلیل، خطایی راهبردی است؛ چرا که اثر زنجیره‌ای و غیر مستقیم افزایش دستمزدها را نادیده می‌گیرد. به عنوان مثال، اگر هزینه دستمزدها در کل هزینه تولید تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد است و جهش آن اثر تورمی چشمگیری ندارد. این تحلیل، خطایی راهبردی است؛ چرا که اثر زنجیره‌ای و غیر مستقیم افزایش دستمزدها را نادیده می‌گیرد.

بنابراین تولیدکننده نهایی با تجمیع این جهش‌ها، با شوک شدید هزینه‌ای روبرو می‌شود. اما باید دید راهکار خروج از این بن‌بست چیست؟ ما نمی‌توانیم چشم بر تنگنای معیشتی نیروی کار و سقوط قدرت خرید خانوارها بندیم، اما چاره

کار را به‌شدت تنزل داده است. در اقتصادی که بهره‌وری پایین و رشد منفی است، تحمیل افزایش دستمزدهم بای تورم‌های تاریخی، به مثابه پرتاب شوک هزینه‌ای سنگین به بنگاه‌های تولیدی است. تجربه تلخ جهش حدود ۵۷ درصدی دستمزدها در سال‌های اخیر نشان داد که این دستکاری‌های مقطعی، بلافاصله روی بهای تمام‌شده کالاها می‌نشیند و به جهش دوباره قیمت‌ها دامن می‌زند؛ امری که اثر ترمیمی حقوق را ظرف چند ماه می‌سوزاند.

واقع‌گرای و جسارت در کلام دولتمردان هستیم. اظهارات اخیر مسوولان ارشد اجرایی، از جمله تأکیدات اخیر مسعود پز شکیان رییس جمهور و دکتر عارف، معاون اول رییس جمهور، نشان می‌دهد مدیران کشور نیز متوجه این واقعیت عریان شده‌اند که بالا بردن صرف دستمزدها بر مبنای نرخ تورم رسمی، بدون توجه به متغیرهای بنیادین اقتصاد کلان، الزاماً معیشت کارگران را بهبود نمی‌بخشد؛ بلکه جرعه‌ای برای ورود به گرداب خطرناک «مار پیچ دستمزده تورم» است.

این واقعیت که در سال‌های گذشته کمتر به زبان می‌آمد، اکنون به کانون چالش‌های تیم اقتصادی بدل شده است. ریشه اصلی ماجرا این است که اقتصاد ایران با رشد اقتصادی منفی، ناترازی‌های شدید انرژی، قطعی گسترده برق در تابستان و چشم‌انداز قطعی گاز در زمستان دست و پنجه نرم می‌کند. این شوک‌های ساختاری، بهره‌وری نیروی

به نظرم سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان اقتصادی باید از همین امروز پرونده معادله پیچیده دستمزدها پایان سال را روی میز گذاشته و به استقبال یکی از پرچالش‌ترین تصمیم‌های اقتصادی کشور بوند. این روزها برای نخستین‌بار شاهد نوعی واقع‌گرایی و جسارت در کلام دولتمردان هستیم. اظهارات اخیر مسوولان ارشد اجرایی، از جمله تأکیدات اخیر مسعود پز شکیان رییس جمهور و دکتر عارف، معاون اول رییس جمهور، نشان می‌دهد مدیران کشور نیز متوجه این واقعیت عریان شده‌اند که بالا بردن صرف دستمزدها بر مبنای نرخ تورم رسمی، بدون توجه به متغیرهای بنیادین اقتصاد کلان، الزاماً معیشت کارگران را بهبود نمی‌بخشد؛ بلکه جرعه‌ای برای ورود به گرداب خطرناک «مار پیچ دستمزده تورم» است.



عباس علوی‌راد

کشور به مراتب دشوارتر از وضعیت فعلی نباشد. یکی از این ظرفیت‌ها، تولید داخلی مواد غذایی و کاهش وابستگی به خارج در برخی حوزه‌هاست. همچنین نداشتن بدهی خارجی قابل توجه، از دیگر عواملی است که در ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور باید مورد توجه قرار گیرد. این ویژگی‌ها به ایران کمک کرده‌اند تا در دوره‌های مختلف محدودیت، بخشی از نیازهای خود را از طریق ظرفیت‌های داخلی تأمین کند.

با وجود شرایط جنگی و افزایش قیمت‌ها در کشور کمبود گسترده مواد غذایی مشاهده نشده و کالاهای مورد نیاز مردم همچنان در دسترس بوده‌اند.

چرا مقایسه ایران و روسیه دقیق نیست؟

کشور به مراتب دشوارتر از وضعیت فعلی نباشد. یکی از این ظرفیت‌ها، تولید داخلی مواد غذایی و کاهش وابستگی به خارج در برخی حوزه‌هاست. همچنین نداشتن بدهی خارجی قابل توجه، از دیگر عواملی است که در ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور باید مورد توجه قرار گیرد. این ویژگی‌ها به ایران کمک کرده‌اند تا در دوره‌های مختلف محدودیت، بخشی از نیازهای خود را از طریق ظرفیت‌های داخلی تأمین کند.

با وجود شرایط جنگی و افزایش قیمت‌ها در کشور کمبود گسترده مواد غذایی مشاهده نشده و کالاهای مورد نیاز مردم همچنان در دسترس بوده‌اند.

البته این مساله به معنای نادیده گرفتن مشکلات اقتصادی، گرانی یا فشار معیشتی بر خانوارها نیست، بلکه نشان می‌دهد برای ارزیابی وضعیت اقتصاد کشور باید در کنار دشواری‌ها، ظرفیت‌ها و نقاط قوت را نیز در نظر گرفت. صرف تمرکز بر افزایش قیمت‌ها و مشکلات موجود، تصویر کاملی از شرایط اقتصادی ارائه نمی‌دهد.

روسیه در سال‌های جنگ اوکراین و مواجهه با تحریم‌ها، لزوماً عملکرد اقتصادی بسیار بهتری نسبت به ایران نداشته است.



حمیدحاج‌اسماعیلی

کرده از تجربه چند دهه‌ای ایران در مواجهه با تحریم‌ها استفاده کند و درباره راه‌های حفظ تاب‌آوری اقتصادی، تداوم تولید و مقابله با محدودیت‌های خارجی اطلاعات بیشتری به دست آورد.

ایران طی چهار تا پنج دهه گذشته تجربه‌های متعددی در زمینه دور زدن تحریم‌ها، حفظ زیرساخت‌ها و ادامه فعالیت‌های تولیدی به دست آورده که می‌تواند در شرایط دشوار اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

اقتصاد ایران با وجود فشارهای ناشی از جنگ و تحریم‌ها، ظرفیت‌هایی دارد که باعث شده شرایط

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظر‌ها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات

به این سامانه پیامک نمایند.